

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

گزارشگران پورتال

۲۳ می ۲۰۱۹

به جای پیشگفتار:

در پاسخ به پیشنهاد های مکرر جم غفیری از خوانندگان و علاقه مندان پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" جهت ارتقای شناخت شان از همکاران قلمی پورتال و ادای حقی که اینها در تنویر افکار عامه، به خصوص در افشاگری و روشننگری علیه امپریالیسم و ارتجاع بر گردن پورتال و خوانندگان و جامعه فرهنگی-مبارزاتی کشور دارند، متصدیان پورتال تصمیم گرفت تا از طریق مصاحبه ها به وسیله گزارشگران پورتال، آنده از همکاران قلمی پورتال را که مشکل امنیتی در معرفی هویت شان وجود ندارد، مختصراً معرفی نماید.

ما تلاش خواهیم نمود تا حد امکان همکاران قلم به دست پورتال را آن طوری که هستند، معرفی بداریم، مگر مطمئن نیستیم عظمت و بزرگواری تعداد زیاد از آنها را قلم ما بتواند به تصویر کشد، بناءً اگر نقص و یا کمبودی در معرفی کدام یک از همکاران عزیز پورتال به نظر برسد، از قبل پوزش می خواهیم.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"

معرفی یکی از همکاران پورتال زندگینامه "مختار دریا"



سحر گاه آدینه دهم جدی سال ۱۳۳۰ خورشیدی مطابق به اول جنوری سال ۱۹۵۱ میلادی در گذر اندرابی کابل معروف به قلعه حیدرخان طفل ششم خانواده پا به عرصه وجود گذاشت که طبق عادات و رسوم، پدرش بعد از

آذان گفتن به گوش نوزاد اسمش را سید مختار گذاشت. سید مختار دریا فرزند مرحوم سید آقا و نواده مرحوم سید جعفر در خانواده متوسط الحال و ادیب و فرهنگدوست به دنیا آمد.

دوران کودکی اش را در دامن والدین گرامی اش سپری کرده از فیض تعلیمات آنها بهره مند و بعد از سپری کردن دوره کودستان (حمید ولکتون) راهی مکتب عالی نجات شد و دوره ابتدائیه و متوسطه و ثانوی را تحت نظر ارشادات استادان آندوره و پدر بزرگوارش و برادر ارشدش مرحوم "حبیب الله بهجت" که از نویسندگان و شعرای معروف آن دوره بود سپری کرد.

در اواسط دوره های متوسطه بود که به اثر تشویق برادر مرحومش زنده یاد "بهجت" که در پیچۀ کتب و مجلات آنوقت را به رویش کشود آهسته آهسته در مسیر ادب و فرهنگ قدم گذاشت و شوق و علاقه اش در این گستره اورا به سوی روزنه ادب و فرهنگ کشانید و این احساس زمانی به حد رشد رسید که به حیث دستیار در کتابفروشی شان که به اسم (کتابفروشی بهجت و واسعی) بود مصروف شده و عطش دانش خود را در لایه لای کتب و مجلات آرامش بخش با حضور هر روزه بعد از ختم مکتب در آنجا سیراب می نمود.

بدینوسیله ذهنش روشنی بهتری از طریق مطالعه آثار نویسندگان و تماس با مردم پیدا کرده و ملتفت اوضاع و تحولات جامعه گردید و در این راستا چکیده هائی از تراوشهای فکری او ظهور کرد و اولین داستان کوتاه وی به نام (بازگشت یک سرباز) (داغ ننگ) (قطره های خون) که در مجله ژوندون سال ۱۹۶۶ به چاپ رسید می باشد. همکاری هایش در قسمت مضامین طنز گونه با مجله (کاکا ترجمان) زیر اسم "مختار دریا" که زنده یاد "بهجت" برایش انتخاب نموده بود اورا در این مسیر آماده پیمودن راه کرد.

بعد از فراغت از لیسه ی عالی نجات شامل "پوهنځی پولیتخنیک" کابل گردید. در جریان سالهای دانشگاه او شاهد تغییرات و جنب و جوشهای سیاسی و تشکیل احزاب مختلف بود، در جریان این دوره سهم فعالی در فعالیتهای اجتماعی با دوستان و و رفقای ورزشی در ساحه پوهنتون و پولیتخنیک داشت که ثمره آن تنظیم و ترتیب ۱۳ تیم ورزشی در "پوهنځی پولیتخنیک" که به حیث ریس کمیته ورزشی در راه خدمت به ورزش با رفقای همدستش که از ورزشکاران ممتاز آندوره بودند، می باشد.

در سهم گیری با فعالیتهای انجمن پالندوی پولیتخنیک که ریاست آن با محترم انجنیر "نجیب الله اوژن" یک تن از ورزشکاران نخبه آن دوره بود، در پهلوی دیگر فعالان کمیته مرکزی به حیث عضو آن تشریک مساعی می نمود. در جریان سفری که به دعوت "انجمن پیشاهنگان ایران" با اعضای "پالندوی افغانستان" داشت مورد استقبال انجمن "پیشاهنگان" ایرانی قرار گرفت و مدال طلائی از طرف "انجمن پیشاهنگان ایران" برای او و رفقاییش داده شد.

در سال ۱۹۷۴ با گرفتن سند فراغت در رشته ساختمانهای هایدرو تخنیک و ختم دوره سربازی دوره اول غند تعلیمی به حیث انجنیر در ریاست پلان وزارت آب و برق شروع به خدمت کرد. در اخیر سال ۱۹۷۵ رخت سفر سوی دیار دیگری بست و رحل اقامت را بعد از یکسلسله تلاشها در شهر کویت افگند و بعد از مدتی کار در آن سرزمین و گرفتن شهادتنامه از یونیورسیتی کویت در رشته زبان عربی موفق به عضویت "انجمن مهندسين کویت و خلیج" گردید.

ثمره ازدواجش با "گهر نیلا آریان" دختر مرحوم "عبداللطیف آریان" یکی از پیشکسوتان رشته ی خارندوی (سگوت) و فرهنگی نامدار سه پسر و دو دختر به نامهای مریم "صدف دریا، نگینه دریا" و سه پسر به نامهای "بهرام ساحل دریا، طهماس طوفان دریا، جعفر طغیان دریا" می باشند. بعد از مرور ۲۵ سال اقامت در کویت به

اثر اوضاع نابسامان جنگ خلیج رخت هجرت دوباره بر تن کرده راهی کانادا شد و در پهلوی هم میهنانش به زندگی عادی ادامه داد .

در پهلوی فعالیتهای اجتماعی و فرهنگی او می توان از عضویت او در "انجمن فرهنگی کاروان شعر" و "انجمن دانش" و انجمن (آموزش جوانان برای آینده افغانستان) در امریکا و عضویت "انجمن سید الشهداء" و "انجمن عدالتخواهی" و "انجمن فرهنگی علامه بلخی" در المان و "مرکز کلتوری امام حسین" و "جامعه اسلامی افغانها در تورنتوی کانادا" می باشد و همکاری با نهاد های بین المللی چون "انجمن حمایت اطفال خیابانی کوفه" در المان تحت ریاست محترم "عبدالرحمن نجفی" و "انجمن معلولین" در مشهد می باشد. از ۱۴ ماه بدین سو، به مثابه همکار دایمی پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" کوشش می شود تا نشیده های قلمی ایشان را در خدمت خوانندگان گران ارج پورتال قرار دهد.

از آثار تحت نشر "دریا" می توان:

«شکست سکوت»

مجموعه شعری خروش در غربت

مجموعه شعری گلبرگها

داستان لالا غفور پینه دوز.

برفهای که عشق آفریدند

دستمال گل سیب داستان کوتاه

کاکه عثمان (گوسفند نر بر قربانی ست)

قوامندان شریف

کاکه خيرو

محبوبه چرخه گیر (رحیم جان شرطی)

حاجی آغا»

را می توان نام برد میتوان نام برد